

بیانیه رفیق بېرک کارمل

منشی عمومی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. و

رئیس شورای انقلابی ج.د.ا.

بمناسبت تجلیل از

شصت و پنجمین سالگرد استرداد استقلال کشور

۲۸ اسد ۱۳۶۳

(تایپ کامپیوتری از: ع. ق. فضل)

۲۵ مارچ ۲۰۱۰

ما به قیامهای ملی خلقهای وطن خود علیه اشغالگران و استعمارگران خارجی سر احترام فرودمی آوریم

متن بیانیه رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا. بمناسبت تجلیل از شصت و پنجمین سالگرد استرداد استقلال کشور

خواهران و برادران هموطن!

رفقا و دوستان!

۲۸ اسد با رویداد پر جلال و با عظمت استرداد استقلال سیاسی کشور مصادف است. این سالروز یکی از پر غرور ترین، درخشان ترین و الهام بخش ترین صفحات زرین تاریخ پر افتخار کشور زیبا و کهنسال ما افغانستان است. درست شصت و پنج سال قبل سیطره خونین و ننگین سیستم امپراطوری استعماری انگلیس در زیر ضربات خورد کننده قیام مسلحانه آزادیبخش ملی خلقهای ساکن افغانستان مضمحل گردید، استقلال سیاسی کشور حاصل شد و جنبش آزادی بخش ملی در آسیا اوج گرفت. اجازه دهید به مناسبت این روز تاریخی بهترین مراتب تبریکات و شادباش های گرم و انقلابی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و شخص خود را به شما هموطنان دلیر و شریف افغان تقدیم بدارم. استرداد استقلال سیاسی کشور میراث گرانبها و امانت مقدس پدران و مادران ما و نتیجه جانبازی های عظیم مبارزان راه آزادی و استقلال در جنگ عادلانه، اما دشوار و نا برابر علیه دشمن محیل و شیاد، خونریز و غدار یعنی استعمار و امپریالیزم انگلیس است، هزارن هزار از فرزندان آزاده وطن ما زندگی شیرین شان را در راه آزادی و استقلال افغانستان محبوب قربان کردند. بگذار درین سالروز ظفر آفرین و مسعود بروان پاک همه قهرمانان ملی و مبارزان شهید راه آزادی دروهای آتشین را نثار کنیم و با سپاس بیکران درفش های گلگون و بیرق های سرخ خونین آنانرا در نبرد مقدس کنونی انقلابی- ملی خلق افغانستان در برابر جنگ بیرحمانه، خونین و رذیلانه دشمنان مردم و وطن ما یعنی جنگ اعلام نشده ارتجاع و امپریالیزم در راس امپریالیزم ایلات متحده امریکا و رژیم های وابسته آن- خونتای نظامی پاکستان و محافل مرتجع ایران و هژمونیزم چین و تمام گروه های ضدانقلاب داخلی و خارجی- بر افراشته و بر افراشته تر نگهداریم و به پیش تازیم، تجاوز و مقاومت دشمنان را در هم شکنیم.

نبرد دشوار و قهرمانانه نیاکان و پدران بزرگ ما در سه جنگ بزرگ وطنی علیه وحشی ترین و نیرومند ترین قدرت استعماری وقت- استعمار انگلیس- به نمونه الهام بخش و درخشان در آسیا مبدل گردید. سنن بزرگ و آزادیخواهانه مبارزان راه آزادی و استقلال میراث گرانبهایی برای خلق های افغانستان در جنگ عظیم ملی انقلابی ما علیه درندگان امپریالیستی، ارتجاع و ضدانقلاب است.

پروسه رشد و تکامل مبارزات آزادیخواهانه خلق های افغانستان را نمیتوان از جریان پر توان انقلابی جهانی در آغاز سده بیستم مجزا دانست. به شهادت تاریخ انقلاب بورژوا دموکراتیک ۱۹۰۵-۱۹۰۷ روسیه از جمله اثرات معین بر نهضت روشن گری و استقلال طلبانه کشور ما بجا گذاشت و پیروزی

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر که نقطه چرخش عظیم در تاریخ سراسر جهان است و دوران نوین آزادی واقعی انسان زحمتکش را در تاریخ بشریت گشود، بمثابة نیروی محرکه تکان دهنده در مبارزات آزادی خواهانه زحمتکشان کشورما عمل نمود.

پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر سیستم امپراطوری مستعمراتی امپریالیزم را از بیخ و بن تکان داد و دوران رهایی و بیداری شرق را نوید داد و به گسترش وسیع و بیسابقه نهضت های نجات بخش ملی خلقهای تحت استعمار، منجر گردید. در تحت تأثیر مستقیم اکتوبر کبیر است که خلقهای افغانستان توانستند پس از مبارزات قهرمانانه و پذیرش قربانی های بی شمار به کسب استقلال سیاسی نایل آیند و به مشعل فروزانی در بیداری شرق مبدل گردند. این حوادث سترگ دارای اهمیت زیاد و رهکشا برای رشد و توسعه بیشتر مبارزه آزادی بخش ملی مردمان مظلوم و تحت ستم آسیا بود. استرداد استقلال سیاسی کشورما محصول بلاواسطه و مستقیم پیکار قهرمانانه همه ملیت ها، اقوام و قبایل ساکن افغانستان اعم از پشتون ها، تاجک ها، هزاره ها، ازبکها، ترکمن ها، بلوچها، نورستانی ها، پشه یی ها و دیگر اقوام و ملیت های افغانستان است. سنن بزرگ انقلابی، وقف و فداکاری قهرمانان و شهدای راه استقلال- زنان، مردان و جوانان، روحانیون وطنپرست، روشنفکران مشروطه خواه و آزادی دوست بخصوص در لحظه حاضر منشا درسهای بزرگ و آموزنده تاریخی برای خلق ما در مبارزه به خاطر طرد تجاوزات امپریالیستی و در راه نوسازی انقلابی جامعه ما است. طرازبندی تجربیات تاریخی مبارزه خلق ما علیه استعمار انگلیس به صراحت ثابت میکند که ارتقای کیفی مبارزه زحمتکشان علیه امپریالیزم در جنگ بزرگ ملی به نتایج مثبت قطعی به استقلال ملی و انقلاب اجتماعی ضد طبقات حاکمه ارتجاعی، ستمگر و استثمار گر داخلی می انجامد.

انقلاب اکتوبر و تأسیس روسیه شوروی که در کشور ما بنام ((جمهوری صلح))، در محافل وسیع اجتماعی مورد استقبال قرار گرفت، توجه اساسی را به امر مساعدت به استرداد استقلال افغانستان معطوف داشت. لنین بنیاد گذار نخستین کشور سوسیالیستی جهان در سال ۱۹۱۸ در عقدنامه برست لیتوفسک تاکید نمود که استقلال سیاسی و اقتصادی افغانستان بانیست احترام گردد.

پس از احراز استقلال سیاسی افغانستان دولت شوروی نخستین کشور سوسیالیستی جهان است که به تاریخ بیست و هفت مارچ ۱۹۱۹ مطابق حمل ۱۲۹۸ استقلال و حاکمیت ملی افغانستان را برسمیت شناخت و قرارداد ننگین انگلیس و رژیم تزاری از جمله درباره تقسیم سرزمین افغانستان را منسوخ اعلام داشت.

خلق افغانستان در وجود روسیه شوروی دوست بزرگ و مطمئن خودرا میدید که میتواند در مواقع دشوار و حساس تاریخی به پشتیبانی آن حساب کند. این تمایل اراده سنتی زحمتکشان افغانستان را امان الله شاه در پیام دوستانه کشور مستقل و آزاد افغانستان عنوانی رهبران دولت جمهوری جوان شوروی به خصوصی عنوانی ولادیمیر ایلیچ لنین که با استقبال گرم رهبران شوروی مواجه شد انعکاس داده است. به گوشه یی از اسناد تاریخی مراجعه میکنیم.

منحیث نمونه یکی از رویداد های روابط افغان- شوروی به خاطر حفظ آزادی و استقلال افغانستان تذکار داده میشود.

توجه بفرمایید. ولادیمیر ایلچ لنین در ثور ۱۲۹۸ (۱۲ می ۱۹۱۶) عنوانی امان الله شاه راجع به افغانستان نوشت:

((ملت آزاد و مستقل افغان که آزادی خود را با کمال دلاوری از تسلط خارجه مدافعت کرده است . . . ما دوستان صمیمی اهالی مملکت افغان هستیم . . . برقرار شدن مناسبات دیپلوماسی فیما بین دو ملت بزرگ روس و افغان باعث خواهد شد که این دو ملت دست یاری و معاونت به همدیگر داده، هرگونه سوء قصدی که از جانب غارتگران خارجه بر آزادی و ملل آنها واقع شود دفع و برطرف نمایند . . .)) بدین جهت در معاهده فیما بین افغانستان و روس مورخ بیست و هشت فبروری ۱۹۲۱ (دهم حوت ۱۲۹۹) به صراحت خاطر نشان گردید که: ((به مقاصد استحکام مناسبات دوستانه فیما بین افغانستان و روس و برای محافظه استقلال حقیقی افغانستان دولت عالی به بهیه افغانستان از یک طرف و دولت جمهوری شوروی فدراتیف سوسیالیستی روسیه از طرف دیگر عقد این معاهده را مقرر نمودند . . .)) توجه شود بالای نکته اساسی و اصل دوستی افغان- شوروی که در مفهوم ((برای محافظه استقلال حقیقی افغانستان)) بیان میگردد.

تاسیس مناسبات دیپلماتیک بین افغانستان و روسیه شوروی نقش بزرگی در تحکیم استقلال سیاسی و مواضع بین المللی کشور ما ایفا نمود. روسیه شوروی درین دوران مرحله دشواری را از سر میگذراند. هجوم و تجاوز چهارده کشور امپریالیستی و جنگ داخلی مانع از آن نشد که دوست و همسایه بزرگ شمالی ما از بذل کمک های بزرگ انترناسیونالیستی به افغانستان مضایقه کند. کمک های بلا عوض دولت شوروی کشور ما را قادر گردانید تا از استقلال کشور در برابر تجاوزات و مداخلات قدرتهای امپریالیستی بی هراس و قهرمانانه دفاع نماید. (مراجعه شود به کمک های سیاسی، اقتصادی و نظامی بعد از استقلال در سال ۱۹۲۰)

کمک ها و مساعدت های اتحاد شوروی در طول زمان سیاسی، اقتصادی و نظامی بعد از استرداد استقلال کشور تا کنون و در آینده نه تنها نقش اساسی را در رشد اقتصادی و اجتماعی افغانستان داشته و خواهد داشت بلکه بحیث عامل نیرومند حفظ استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور بوده هست و خواهد بود. اتحاد شوروی تا کنون در بیش از یکصد و پنجاه پروژه اقتصادی صنعتی، زراعتی، تخنیکی و فرهنگی کمک سرشاری را به افغانستان مبذول داشته و میدارد که موجب تحکیم استقلال اقتصادی کشور گردیده است. بعد از جنگ جهانی دوم و مخصوصاً از سال های پنجاه به اینطرف کمک های شوروی ابعاد وسیعتر و گسترده تر را بخود گرفت. در این میان میتوان از ساختمان ۱۶۰۰ کیلومتر سرک جدید و اسفالت شده میدانهای هوایی، فابریکه ها، سیلوها، دستگاه خانه سازی، کمک در ساحه اکتشاف و استخراج نفت و گاز، سروی معادن، ایجاد پایه های نخستین صنایع کیمیاوی، استخراج نفت و گاز، دستگاه های انرژی برق و بند آبیاری و پروژه های زراعتی، موسسات ترانسپورتی، تسهیلات تجارتي و مالی و پرورش بیش از هفتصد هزار کارگر ماهر، تأسیس مراکز تربیت کادرهای ملی و غیره و غیره یادآوری نمود. تا امروز هزاران نفر از کادرهای ملی ما در اتحاد شوروی تربیت و پرورش یافته که اکنون در رشته های مهم اقتصاد ملی مصروف فعالیت اند. بعد از انقلاب ثور و مرحله نوین آن این همکاری ها با اتحاد شوروی بزرگ وسعت بیسابقه تاریخی یافته است. خلاصه اینکه موجودیت اتحاد شوروی و کمک ها و همکاری های آن در طول تاریخ بعد از استرداد استقلال سیاسی کشور عامل نیرومند و قوی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور و حفظ استقلال ملی، اعم از سیاسی و اقتصادی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور است:

اما اگر یکبار بتاريخ بعد از استقلال کشور نگاه عمیق اندازیم، می بینیم که سیاست استعمار و امپریالیزم یعنی اروپا و امریکا در برابر کشور ما درست در نقطه تقابل سیاست لنینی اتحادشوروی قرار داشته و دارد. سراسر این دوران پر از توطئه ها و دسایس ارتجاع و امپریالیزم علیه استقلال، آزادی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور ماست. استعمارگران انگلیسی که موجودیت کشور مستقل افغانستان را در قلب آسیا تحمل نمی توانستند به حیل گوناگون به مداخلات رذیلانه علیه کشور ما به توطئه ها و دسایس بیسابقه مبادرت ورزیدند. مطبوعات رسمی وقت انگلستان با بی شرمی تمام طرح تجزیه افغانستان را میریختند.

استعمارگران با تکیه به نوکران محلی و استفاده نا جایز از دین مقدس اسلام با براه انداختن تحریکات مداخلات نظامی حکومت غازی امان الله را سرنگون ساختند. تلاش پیوسته و مداوم غارتگران امپریالیستی به این مساله معطوف بود تا حد اکثر افغانستان را از نقشه سیاسی جهان معدوم گردانند یا حد اقل آن نوع حکومت را در کشور ما مستقر سازند که بتوانند در خدمت ستراتیژی تجاوز گرانه و غارتگرانه امپریالیست ها باشد. این نقشه ها و پلانها همیشه ادامه داشته است. طوریکه امروز هم این سیاست خاینانه استعماری از طرف امپریالیزم امریکا و متحدین ناتوی آن و وابستگان آن- رژیم نظامیگر پاکستان، ارتجاع ایران و توسعه طلبان چینی- بصورت جنگ اعلام نشده علیه افغانستان انقلابی تعقیب میگردد. انگلیسها این سیاست خصومت آمیز را در مجله نشنل رویو چاپ لندن در سال ۱۹۱۹ بدینگونه طرازبندی نمودند: ((تنها راه حل همان است، که ما قبلاً با آن معتقد بودیم. این راه حل عبارت ازین است که قسمت قابل ملاحظه از خاک این کشور یعنی کشور افغانها به احتمال قوی کابل و قندهار تصرف گردد در مدتی که بدین نحو آرامشی موقت برقرار میگردد باید حکمرانی پیدا شود که در راه قبول مزایای اتحاد با انگلستان سخت گیری نماید.)) این فرد، نادر عامل زرنگ استعمار انگلیس بود.

انگلیسها با توطئه و دسیسه نادر را بقدرت رسانیدند. استعمار با سقوط دادن امان الله شاه و سرکوب نهضت جوانان افغان توانست وقفه طولانی را در رشد و تکامل عرصه های گوناگون زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه ما جابرانه و ظالمانه تطبیق کند و با تکیه بر دودمان فاسد و خاین ضدملی و ضد دموکراتیک نادر سیاست اداره استعماری را در کشور ما اعمال کند. طوریکه امروز فرزند وی محمدظاهر شاه مخلوع و دارو دسته مرتجع او از طریق کمک خاینانه امپریالیزم امریکا و متحدین آن و خنتای نظامی پاکستان میخواهد راه پدر خاین و مستبد خود را تعقیب نماید و افغانستان را دوباره اسیر و برده امپریالیزم سازد. و نظام فرتوت و منسوخ سلطنتی و ارتجاع سیا را به خلق افغانستان تحمیل دوباره نماید ولی این ارمانها را همراه با بادران امپریالیستی خود یکجا به دوزخ خواهند برد.

در سال های قبل از جنگ جهانی دوم فاشیست ها در جای پای انگلیس ها قدم گذاشته و برای افغانستان در پلانهای استراتژیک تجاوزگرانه نقش مهمی را تعیین نموده بودند، فاشیست ها در تلاش بودند تا از افغانستان بمتابه پایگاه تجاوز علیه نهضت های آزادیبخش ملی، علیه کشور صلحدوست و مدافع کبیر آزادی ملل جهان یعنی اتحاد شوروی برقابت های استعماری- امپریالیستی در نیم قاره هند استفاده برند و جنبش استقلال طلبانه خلق هند را سرکوب کنند و در افغانستان رژیم فاشیستی سیاه را استقرار بخشند و آنرا تابع رژیم وحشی فاشیستی آلمان سازند و استقلال کشور ما را نابود کنند.

فاشیست ها شبکه وسیع از سازمان های جاسوسی را در کشور ما ایجاد نمودند. اما در اثر مبارزات پیگیر و قهرمانانه مردم افغانستان و سیاست صلح جویانه اتحادشوروی این پلانیهای فاشیستی عقیم گذاشته شد، استقلال و بیطرفی افغانستان حفظ گردید.

فاشیست های هتلری در زیر ضربات خردکننده اردوی قهرمان اتحادشوروی نابود گردید و بشریت از فاجعه طاعون سیاه و ملیتاریزم جاپان رهایی یافت. در نتیجه پیروزی های جنبش های آزادیبخش ملی بخش عظیمی از آسیا از تسلط استعماری انگلیس رهایی یافت. امپریالیزم ایالات متحده امریکا که بعد از جنگ جهانی دوم نیرومند ترین قدرت امپریالیستی جهان بود جای امپریالیزم انگلیس را در آسیا اشغال کرد.

امپریالیست های نو خاسته امریکایی نیز در برنامه های تجاوز گرانه خود تلاش داشتند تا افغانستان را از سیاست بیطرفی جدا نموده و وابسته به سرمایه انحصاری امپریالیستی امریکا سازند و به مثابه تخته خیز تجاوز علیه اتحاد شوروی و نهضت های آزادیبخش ملی در منطقه از آن استفاده کنند، خلق افغانستان را اسیر و حقیر و برده سازند و استقلال افغانستان را که خونهای هزاران هزار فرزند افغان بوده است در مخاطره اندازند.

بدین ترتیب تجاوزات و مداخلات مداوم و گسترده امپریالیزم و ارتجاع علیه کشوما خاتمه نیافت تا سرانجام با پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فیودالی ثور خلقهای افغانستان توانستند از چنبره خونین تسلط آشکار و نامریی استعمارگران نوین و امپریالیست ها رهایی یابند و مبارزات آزادیخواهانه و مترقی ما ابعاد نوین و گسترده پی کسب نماید.

مرحله نوین انقلاب ثور یکبار دیگر استقلال و آزادی خلقهای ما را از توطئه ها و دسایس ارتجاع منطقه، امپریالیزم بین المللی و در رأس امپریالیزم امریکا و توسعه طلبان چین نجات داد. درینجا نیز دست پر قدرت دوست دیرین ما اتحاد شوروی بزرگ به کمک افغانستان شتافت و گرنه دیگر امروز افغانستان انقلابی آزاد و مستقل و غیر متعهد وجود نمیداشت. سپاس از کمک بهنگام اتحادشوروی دوست صدیق افغان ها و پشتیبان راستین آزادی و استقلال ملی وطن ما، دولت ما، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان.

خواهران و برادران!

ما از شصت و پنجمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان در شرایطی تجلیل بعمل می آوریم که بیشتر از ششسال از پیروزی انقلاب سپری میگردد و ما به استقبال رویداد بزرگ و حایز اهمیت تاریخی بیستمین سالگرد تأسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیش می رویم. امر مسلمی است که ششسال و چند ماه از نظر تاریخی زمانی کوتاهی است اما درین مدت خلقهای افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به دست آورد های بزرگ و مهمی نایل آمده اند.

درین فرصت لازم است یادآور شوم که هموطنان ما بدرستی درک و تشخیص نموده اند که به پیروزی رسانیدن نهایی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور بزرگترین خدمت تاریخی- ملی حزب ما به خلق رنج کشیده کشور است. انقلاب که تحت رهبری مستقیم حزب ما به پیروزی رسید مظهر مشخص عمل کرد منطقی قوانین تکامل اجتماعی و تبلور قرن ها مبارزه خلقهای رنجدیده افغانستان بخاطر رهایی ملی و اجتماعی است. انقلاب که اقشار طبقات جبار و ستمگر را سرنگون نمود کشور

را در شاهراه تابناک اعتلای اقتصادی و اجتماعی قرار داد و افق های نوین بهروزی و سعادت را بروی خلقهای عذابدیده افغانستان گشود.

انقلاب ثور از لحاظ خصوصیات، اهداف و سهم گیری زحمتکشان در تحقق دگرگونی های سیاسی-اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، انقلاب ملی و دموکراتیک در جهت ایجاد جامعه بدون استثمار انسان از انسان و محو تمام انواع و اشکال ستم استثمار ملی و اجتماعی در کشور است. مسلم است که این انقلاب ضربه مهلکی به منافع ارتجاع و امپریالیزم و طبقات استثمارگر داخلی این دشمنان آشتی نا پذیر زحمتکشان افغانستان وارد نمود و بناً نمیتوانست خشم و نفرت دشمنان زحمت کشان افغانستان را بر نه انگیزد، مبارزه ما مبارزه طبقاتی است به همین خاطر انقلاب ما چون دیگر انقلابهای اجتماعی با وسیعترین عملیات تجاوز و مداخله گرانه ارتجاع و امپریالیزم و مقاومت مسلحانه طبقات استثمارگر و مرتجع مواجه گردید. مداخله و تجاوز مستقیم قدرت های امپریالیستی و وابسته به آن علیه کشور ما که شرایط دشواری را از سر میگذشتاند مطرح بود و آتش جنگ تباهن منطقه و کشور ما را تهدید میکرد. درین آوان دشوار و حساس تاریخ کشور ما دوست تاریخی زحمتکشان افغانستان یعنی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بنا بر درخواست جمهوری دموکراتیک افغانستان با بذل کمک انترناسیونالیستی به خلق، استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور ما را در دفع و طرد تجاوز و مداخله ارتجاعی امپریالیستی کمک نمود و پلان اشتعال جنگ منطقه را نقش بر آب ساخت. خلق های افغانستان به این کمک بزرگ ارج فراوان قایل اند و اهمیت تاریخی آنرا بدرستی درک مینمایند.

به صراحت و به بانگ رسا اعلام میداریم که دعوت موقتی قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی صرف و صرف بخاطر طرد و دفع مداخلات و تجاوزات دشمنان خارجی و بخاطر دفاع از آزادی و استقلال ملی، حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان بر مبنای اصول و موازین قانونی صورت گرفته است.

درین سالروز تاریخی ملی استقلال افغانستان بار دیگر اعلام میداریم که:

قطعات محدود نظامی اتحادشوروی دوست افغانها تنها و تنها هنگامی بوطن کبیر و صلحدوست خود عودت خواهند کرد که مردم افغانستان کاملاً اطمینان حاصل کنند که تجاوزات و حملات مسلحانه و مداخلات امپریالیزم و ارتجاع از پاکستان و هم از ایران بصورت عام و تام از ریشه قطع گردیده و استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان بطور موثق و عملی تضمین شده است و دیگر هرگز مداخله در امور داخلی کشورمان از خارج صورت نمیگیرد.

علت و پایه اساسی دعوت قانونی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان از قطعات محدود نظامی اتحادشوروی به استناد معاهده دوستی، حسن همجواری و همکاری بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ماده پنجاه و یک منشور ملل متحد تنها و تنها دفاع مشروع از آزادی و استقلال از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور در برابر حملات مسلحانه علیه افغانستان انقلابی که بخصوص از طرف امپریالیزم و ارتجاع از پاکستان سازمان داده میشود و همچنان از ایران و سیکیانگ چین صورت میگیرد میباشد.

به مقصد یادآوری توجه شود به نکات چند از معاهده دوستی و حسن همجواری و همکاری که بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به تاریخ (پنج) دسمبر سال ۱۹۷۸ مطابق چهارده قوس ۱۳۵۷ انعقاد یافته است و رسماً در سازمان ملل متحد ثبت گردیده است.

در معاهده آمده است:

جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با تاکید وفاداری به هدفها و اصول معاهده بین افغانستان و اتحادشوروی در سال ۱۹۲۱ و معاهده سال ۱۹۳۱ که تهداب روابط دوستی و حسن همجواری بین خلقهای افغانستان و شوروی را گذاشته و واجد منافع حیاتی ملی آنها میباشد و با آرزومندی به تحکیم هرچه بیشتر دوستی و همکاری همه جانبه دو کشور با اظهار عزم راسخ به انکشاف دست آوردهای اجتماعی و اقتصادی خلقهای افغانستان و شوروی و برای حفظ امنیت و استقلال آنها و بطرفداری قطعی از همبستگی تمام نیروهاییکه در راه صلح استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی مجادله میکنند و با ابراز عزم راسخ به مساعدت تقویه صلح و امنیت در آسیا و سراسر جهان و سهمگیری در انکشاف علایق بین کشورها و در تحکیم همکاری ثمربخش متقابل و مفید در آسیا و با در نظر داشت اهمیت بزرگ به تقویه پایه حقوقی روابط معاهداتی خود و با تائید مجدد وفاداری به هدف ها و اصول منشور ملل متحد تصمیم گرفتند. معاهده دوستی، حسن همجواری و همکاری را منعقد و . . . موافقت نمودند.

توجه کنید در ماده اول معاهده گفته میشود:

طرفین عالیین متعاهدین رسماً عزم راسخ خودرا به تحکیم و تعمیق دوستی خلل ناپذیر بین دو کشور و انکشاف همکاری همه جانبه بر اساس تساوی حقوق و احترام به حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر اعلام میدارند.

در ماده چهارم معاهده گفته میشود:

طرفین عالیین متعاهدین بتاسی از روحیه عنعنات دوستی و حسن همجواری و منشور ملل متحد بمقصد تامین امنیت و استقلال و تمامیت ارضی دو کشور با هم مشوره نموده و تدابیر مناسب را بموافقت جانبین در زمینه اتخاذ خواهند کرد. به منظور تقویه قدرت دفاعی، طرفین عالیین متعاهدین انکشاف همکاری را در ساحه نظامی باساس موافقتنامه های مربوطه که بین طرفین عقد شده دوام خواهند داد:

در ماده پنجم معاهده گفته میشود:

جمهوری دموکراتیک افغانستان سیاست صلح اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را معطوف به تحکیم دوستی و همکاری با تمام کشورها و خلقها محترم می‌شمارد.

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سیاست عدم انسلاک جمهوری دموکراتیک افغانستان را که عامل مهم نگهداری صلح بین المللی و امنیت میباشد محترم می‌شمارد.

توجه کنید، همچنان ماده (۵۱) منشور سازمان ملل متحد میگوید:

هرگاه علیه یک عضو ملل متحد حمله مسلحانه بوقوع برسد تا آنزمانیکه شورای امنیت تدابیر لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین المللی اتخاذ نماید هیچ یک از مقررات این منشور به حق طبیعی دفاع مشروع، خواه فردی و خواه دسته جمعی، صدمه وارد نخواهد کرد.

تدابیری که توسط اعضا برای اعمال این حق دفاع مشروع اتخاذ میگردد باید بلافاصله به شورای امنیت گزارش داده شود و نباید به هیچ صورتی صلاحیت و مسوولیت شورای امنیت را که بر طبق این منشور در هر موقعی که ضروری تشخیص دهد، برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین المللی اقدام می نماید، متاثر سازد. مسلح ساختن پاکستان بخاطر یک سیاست تعرض علیه ج.د.ا. و همچنان علیه جمهوری هند.

حقایق صدور ضدانقلاب و باند های صادر شده از پاکستان به کمک، تحریک و سازماندهی مستقیم ایالات متحده امریکا و متحدین وی و هژمونیزم چین از لحاظ مالی، اسلحه و تعلیم و تربیه باندها از ایران به داخل قلمرو جمهوری دموکراتیک افغانستان و اعمال وحشیانه و ننگین و فجایع ضدانسانی آنها به تمام پدران، مادران، برادران و فرزندان ما و جهانیان شرافتمند مشهود و آشکار و بی نیاز از اثبات و کمک بهنگام قطعات محدود نظامی اتحادشوروی برای حفظ استقلال و تمامیت کشور ما نجات بخش است و این مسئله داخلی ماست.

از اینجاست که انقلاب در پروسه رشد و تکامل ناگزیر گردید در دو جبهه به تمرکز انرژی و مساعی بزرگ خویش بپردازد: جبهه مبارزه به خاطر حفظ و توسعه دستاوردهای انقلاب و جبهه بزرگ مبارزه ملی علیه تجاوز و مداخله ارتجاع و امپریالیزم و حفظ استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و اصل سیاست عدم انسلاک کشور مان افغانستان.

تلاش و مساعی بزرگ خلق ما در انجام وظایف مبرم در هر دو جبهه عظیم حایز اهمیت تاریخی است. عظمت وظایف انجام داده شده را میتوان درین ملاحظه نمود که افغانستان بمتابیه یک کشور کوچک اما دارای خلق زحمتکش، قهرمان و مبارز توانسته و میتواند در برابر بزرگترین کشور امپریالیستی عصرما، امپریالیزم ایالات متحده امریکا، متحدین ناتوی این کشور، هژمونیت های چین و تمام رژیم های گوش بفرمان منطقه آن از خود قهرمانی، شهامت، دلیری و مقاومت فراموش ناشدنی نشان دهد. زیرا حق و عدالت، عقل سلیم جهان صلحدوست و قانون عینی تکامل تاریخ و انقلاب بجانب خلق افغان و بسود مصالح ملی افغانستان و به نفع صلح و امنیت منطقه و جهان است.

هموطنان گرامی!

انقلاب علی الرغم جنگ جنایتکارانه امپریالیزم و ارتجاع به عمده ترین دست آورد خویش یعنی استقرار حاکمیت سیاسی زحمتکشان برای نخستین بار در سیر تاریخ ملی کشور نایل گردیده است. استقرار شکل نوین حاکمیت مبتنی بر اساسات اندیشه های پیشرو عصرما این امکان را مهیا ساخت تا راه نیمه رفته استقلال افغانستان ادامه یابد. در واقعیت امر ارمان های انسانی مبارزان قهرمان راه آزادی در نتیجه سرکوب نهضت ملی دوره امانی و تسلط دوباره استعمار به اشکال نوین و ظریفتر تحقق نیافت و در نتیجه جنبش آزادیخواهانه و ترقی خواهانه کشورما بنا بر عدم مساعدت اوضاع داخلی و وضع بین المللی نتوانست به مرحله عالیتر رشد و تکامل یعنی مرحله تامین و تحکیم اساسی استقلال ملی و تحقق دگرگونی های عمیق بنیادی با خصلت ملی و دموکراتیک ارتقا کند. معذالک علی الرغم دشواریها کاروان پرجلال جنبش انقلابی متوقف نگردید و در مرحله معین از قوام و پختگی جنبش حزب دموکراتیک خلق افغانستان توانست رهبری جنبش انقلابی و جامعه را به دست گرفته با کیفیت و غنای نوین راه تحولات عمیق بنیادی به نفع زحمتکشان را در پیش گیرد و استقلال واقعی ملی افغانستان انقلابی، آزاد و غیرمنسلک را تامین نماید.

امروز وحدت عمل تمام طبقات و اقشار زحمتکش جامعه در وجود جبهه ملی پدروطن تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان ضامن ادامه تحولات و نمونه درخشان از صحت سیاست اصولی و

انقلابی حزب ما در قبال سرنوشت و مقدرات خلق افغانستان است. پیامد منطقی این امر تحقق پیگیرترین آزادی‌های دموکراتیک و بالنتیجه سهمگیری زحمتکشان کشور در اداره امور دولت است.

در کنار سایر پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی انفاذ اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، تصویب قانون ارگانهای محلی قدرت دولت و اداره و سایر قوانینی که مبنای حقوقی نظام نوین را می‌سازد از دست آوردهای بزرگ حزب، دولت و زحمتکشان افغانستان است. از برکت ساسیت درست و اصولی حزب و دولت است که اکنون در کشور ما تمام قواعد و موازین قانونیت انقلابی و دموکراتیک تحقق مییابد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بهبود و ارتقای سطح زنده‌گی مادی و فرهنگی زحمتکشان را هدف عمده استراتژی اقتصادی خویش میدانند. ما عمیقاً معتقد هستیم و تجربه ما نشان میدهد که بدون ایجاد تغییرات اساسی بنیادی امر انکشاف اقتصادی اجتماعی به نفع زحمتکشان نه تنها میسر نیست، بلکه ناممکن است. بر پایه درک مشخص این واقعیت است که حزب و دولت با تحقق بخشیدن به ((برنامه عمل)) حزب که برنامه عمومی دموکراتیک و انقلابی است، به دست آوردهای بزرگ نایل خواهد آمد.

انقلاب از لحاظ تامین کامل استقلال اقتصادی در راه حل مساله ارضی و دهقانی در جهت تعاونی کردن و میکانیزه ساختن زراعت در کشور و افزایش حاصلدهی، زمین، کار و تولید، تسریع آهنگ رشد صنایع و استخراج معادن در جهت صنعتی ساختن کشور، انجام انقلاب فرهنگی و با سواد ساختن تمام اهالی کشور، حل دموکراتیک مساله ملی و سر انجام محو کامل و بنیادی ستم ملی و اجتماعی، ارتقای سطح زندگی مادی و معنوی زحمتکشان و رفاه همگانی در کشور گامهای متین برداشته و مرحله به مرحله به جلو میرود. چنانچه علی الرغم جنگ اعلام ناشده ارتجاع و امپریالیزم و هژمونیزم علیه افغانستان انقلابی بازهم بمناسبت روز استقلال کشور خاطر نشان می گردد که:

حزب ما با تحقق بخشیدن به برنامه دموکراتیک ارضی و آب که هم اکنون کار آن جریان دارد مناسبات ظالمانه فیودالی را در هم شکست.

حزب و دولت در زمینه ایجاد زراعت ماشینیزه بازسازی سیستم های آبیاری ایجاد فارمهای زراعتی و کوپراتیفهای دهقانی گامهای با اهمیتی به پیش گذاشته اند. به صورت مشخص تر علی الرغم ادامه و تشدید جنگ اعلام ناشده ارتجاع و امپریالیزم و اقدامات جنایت کارانه ضد انقلاب در عرصه زراعت حجم محصول ناخالص زراعتی در سال ۱۳۶۲ به هشتاد و هشت اعشاریه یک ملیارد افغانی

بالغ گردیده که هفت اعشاریه یک فیصد افزایش را نسبت به سال ۱۳۵۷ و دو فیصد افزایش را نسبت به سال ۱۳۶۱ نشان میدهد.

دولت در زمینه کمک به دهقانان زحمتکش کشور اقدامات عاجل را انجام داده است. در سال ۱۳۶۲ دهقانان زحمتکش کشورما یکصدو دوازده هزار تن کود کیمیاوی، سیزده هزار تن تخم بذری گندم، چهار اعشاریه شش تن تخم بذری پخته و چهارده تن تخم بذری لبلبو و شصت میلیون افغانی ادویه زراعتی بکمک دولت به دست آوردند.

در سالجاری (۱۳۶۳) تمام زمینهای زراعتی کشور از طرف دهقانان زحمتکش وطن به طور نورمال کشت گردیده است که حاصل و بهره خوب بدست میدهد.

در فارم های دولتی در اثر توجه دولت بهبودی لازم بمیان آمده است سی و پنج فیصد افزایش در محصول ناخالص زراعتی نسبت به سال ۱۳۶۱ در سال ۱۳۶۲ بیانگر این امر است.

دولت به امر بهبود سیستم های آبیاری توجه جدی مبذول داشته است. در نتیجه مساعی حزب و دولت آب برای پنجصد هزار هکتار زمین زراعتی تامین گردیده است.

در عرصه صنایع خصوصی مانوفاکتوری، دستی و تولید صنعتی نیز دستآورد های مهمی وجود داشته است. شاخص های رشد نشان می دهد که تولید ناخالص در سال ۱۳۶۲ در مقایسه با سال ۱۳۶۱ در رشته های متذکره هریک بالترتیب شانزده فیصد، چهار اعشاریه هفت فیصد و بیست و نه اعشاریه هشت فیصد افزایش را نشان میدهد.

تجارت خارجی در مدت زمانی بعد از انقلاب انکشاف محسوسی کسب نموده است. تجارت خارجی در سالجاری به مقایسه سال گذشته یک اعشاریه هفت فیصد افزایش کسب خواهد کرد.

در عرصه رشد صنایع معادن، انرژی و مواد سوخت، ترانسپورت و مواصلات و مخابرات به خصوص در سکتور دولتی اقتصاد و همچنان سکتور مختلط و خصوصی گامهای استوار، مشخص و علماً پلان شده برداشته شده است که ارقام و حقایق منتشره در ارگان های رسمی دولت گویای آن است.

بطور کلی شاخص های رشد در عرصه های محصول ناخالص ملی و عاید ملی استفاده شده و ذخیره شده در سال ۱۳۶۲ در مقایسه با سال ۱۳۵۷ - شش فیصد و شش اعشاریه سه فیصد افزایش نموده است که این امر صحت سیاست اقتصادی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را نشان میدهد.

یکبار دیگر خاطرنشان می‌سازیم که کمک‌های وسیع و همه‌جانبه کشورهای سوسیالیستی و برادر و در راس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نقش بزرگ در پیروزی‌های ما ایفا نموده و مینماید.

ما عمیقاً معتقد هستیم که پایه‌های مادی و فرهنگی جامعه نوین را نمیتوان بدون انجام انقلاب فرهنگی بنیان نهاد. حزب و دولت انقلابی ما انقلاب فرهنگی را با در نظر داشت مختصات ملی، تاریخی و سنن پسندیده مردم افغانستان تحقق می‌بخشند. تا کنون بیشتر از یک میلیون و چهل و هشت هزار هموطن بیسواد ما در کورس‌های سوادآموزی در مدت زمانی بعد از انقلاب از فیض سواد مستفید گردیده‌اند. علاوه‌تاً مساعی بزرگ در سمت تعلیم و تربیه اطفال قبل از مکتب در سطح ملی سازمان داده شده است و پروگرام سواد حیاتی برای نوجوانان وسیعاً ترویج گردیده است. همچنان در عرصه امحای ستم ملی، تأمین اصل برادری و برابری میان ملیتها و اقوام ساکن وطن واحد مان افغانستان اقدامات عملی و تضمین شده بعمل آمده است. فرهنگ‌های شایسته، ادبیات و هنر‌های ملی ما که بخشی از گنجینه‌های پرافتخار تاریخ کهن ملی خلقهای کشور ماست رشد و تکامل می‌یابد و با مضمون نوین و مترقی و خلاق انقلابی از موضوع زحمتکشان، وطن پرستی و انترناسیونالیزم و بر اساس اندیشه‌های پیشرو عصر ما غنی و غنی‌تر، شگوفان و شگوفان‌تر میگردد.

حقوق و آزادیهای وسیع دموکراتیک مردم و دموکراسی واقعی در جهت دموکراسی زحمتکشان یا دموکراتیزه کردن کشور بسط و توسعه می‌یابد. مردم روز تا روز در وجود جرگه‌ها (شوراها) در امور قدرت و اداره دولت فعالانه شرکت مینمایند و حاکمیت خلق استقرار می‌یابد و نیرومند می‌گردد. ما مصمم هستیم تا پیروزی‌های حاصله را با تمام نیرو و انرژی حفظ کنیم. ما از تجربه تلخ شکست نهضت * . . . دهه بعد از انقلاب دوره امانی درس عبرت گرفته ایم. دیگر امپریالیزم قادر نخواهد بود با نیرنگهای شناخته شده خویش خلق ما را فریب دهد و بزانو در آورد.

اکنون ما قوای مسلح قهرمان مجرب و آبدیده داریم. در وضع کنونی قوای مسلح ما به علم و فن، استراتژی و تاکتیک جنگ انقلابی علیه ضدانقلاب و باندیتیزم تجهیز گردیده و قاطعانه علیه تجاوز و مداخله ارتجاع و امپریالیزم می‌رزد. قوای مسلح قهرمان ما از دست آوردهای انقلاب که بطور آشکار تداوم و تحقق عملی آرمانهای شریف قهرمانان راه استقلال کشور با محتوا و شکل نوین انقلابی میباشد، جانبدارانه دفاع میکند. خون مبارزان راه استقلال کشور امروز در عروق فرزندان رنج و نجیب خلق ما که در قوای مسلح قهرمان گرد آمده‌اند، می‌جوشد. قوای مسلح ما ضامن تحکیم استقلال وطن ما که با پیروزی انقلاب احیا و اعتلا یافته، میباشد.

هموطنان عزیز!

یکی از دست آوردهای بزرگ انقلاب تعقیب سیاست خارجی اصولی و صلحجویانه است. زحمتکشان مردم صلحدوست اند و خلق های افغانستان در طول تاریخ و در شرایط کنونی که حاکمیت سیاسی زحمتکشان در کشور استقرار یافته است هیچگاه منشا تجاوز و مداخله علیه دیگران نبوده و نیستند. حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان بیانگر مصالح و منافع واقعی ملی مردم افغانستان است. بتاسی ازین اراده صلحدوستانه مردم افغانستان و ماهیت نظام انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، ما صمیمانه خواستار صلح و همزیستی مسالمت آمیز با کشور های همسایه هستیم. به همگان روشن است که اوضاع کنونی متشنج اطراف افغانستان از سیاست تجاوزگرانه امپریالیزم و در راس اداره ماجراجو و ضد صلح ریگن رئیس جمهور ایالات متحده امریکا و متحدین ناتو و وابسته آن، هژمونیهای چین، ارتجاع منطقه و ارتجاع عرب ناشی گردیده است که از پاکستان بمثابه تخته خیز تجاوز و مداخله علیه کشورما استفاده می کند. اکنون بیشتر از یکصد و هفده اردوگاه نظامی ضد انقلابی در قلمرو های پاکستان و ایران و چین وجود دارد که از آن خون و آتش مرگ و میر را در کشورما جاری میکنند.

اداره ریگن که تروریزم دولتی و بین المللی را به سطح سیاست خارجی رسمی ایالات متحده امریکا ارتقا داده است، در راس تمام فعالیتها و کار زار ضد افغانستان انقلابی قرار دارد. اکنون دیگر به هیچکس پوشیده نیست که اداره کنونی امپریالیزم امریکا باندهای جنایتکار ضد انقلابی را با صرف میلیونها دالر از طریق سی آی ای تربیت، تمویل و مسلح مینماید و آنها را برای کشتار مردم بیگناه تخریب مکاتب، مساجد، شفاخانه ها، خطوط مواصلاتی و سایر پروژه های ساختمانی و صنعتی و زراعتی به کشور ما میفرستد. همچنان رهبران چین اخیراً با اشتراک فعالانه در جنگ اعلام ناشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان تلاش میورزند تا از شرکای امریکایی خود عقب نمانند.

از طرف دیگر امپریالیزم امریکا، متحدین غربی آن و توسعه طلبان چین با وارد کردن فشار هرچه بیشتر بر پاکستان و ایران تلاش میورزند تا رژیم های حاکم نظامیگر و مرتجع بر این کشورها را هرچه بیشتر و عمیقتر به جنگ اعلان ناشده علیه ج.د.ا، بکشانند.

همچنان دشمنان آزادی و استقلال و انقلاب افغانستان از طریق وسایل جمعی تبلیغات زهرآگین و دروغین، افترات ردیلانه و جعلیات بیشرمانه را به زبان های پشتو، دری و دیگر زبانها پخش مینمایند. رادیو های صدای امریکا، بی بی سی لندن، پاکستان، پشاور، کوئته، کراچی، تهران، مشهد و زابل ایران، رادیوی عربستان سعودی، مصر، پیکن (چین)، اسرائیل و دهها استیشن های مخفی و علنی و نشرات ارتجاعی به تبلیغات خصمانه و خاینانه دست میزنند و رهبران و زمامداران جنگ افروز و جنگ طلب و نمایندگان، انحصارات کشور های امپریالیستی و وابسته از تمام تریبون ها و

سفر های رسمی و غیررسمی چه در نزدیک قلمرو کشورمان و چه در دیگر کشورها و سازمانهای بین المللی علیه افغانستان انقلابی تحریکات فتنه گرانه و ابلیس مآبانه را دامن میزنند.

جمهوری دموکراتیک افغانستان بخاطر نیل به حل صلح آمیز اوضاع اطراف افغانستان تا کنون دو بار به طرح پیشنهادات و ابتکارات سازنده و خلاق و انعطاف پذیر متوسل گردیده است. ما همزمان با آغاز و ادامه مذاکرات با پاکستان از طریق نماینده منشی عمومی سازمان ملل متحد در ژنیو که اکنون وارد سومین دور خود می گردد پاسخ مثبت ارائه نمودیم. ما همواره از مساعی نماینده منشی عمومی سازمان ملل متحد در زمینه حل و فصل سیاسی پشتیبانی نموده و همکاری لازم را مینمائیم. جمهوری دموکراتیک افغانستان به تمام اقدامات ممکن و معقول در سمت رسیدن به توافق قابل قبول متشبث گردیده است. اکنون بر همسایگان ماست تا حسن نیت مشابه از خود نشان دهند. ما نیت صلح آمیز داریم. درین راه باز هم از بذل هیچگونه کوششی دریغ نخواهیم ورزید.

امروز جمهوری دموکراتیک افغانستان از پرستیژ بزرگ بین المللی هم در جامعه بین المللی و هم به حیث کشور غیرمنسلک در جنبش عدم انسلاک که افغانستان یکی از بنیاد گذاران آنست برخوردار گردیده است. با شکست هایی که نصیب امپریالیزم و چاکران ضد انقلاب آن میگردد به یقین پرستیژ افغانستان انقلابی باز هم اعتلای بیشتر و بیشتر خواهد یافت.

جمهوری دموکراتیک افغانستان بنا بر ماهیت عمیقاً انسانی و صلحدوستانه سیاست خارجی خود از همه مساعی نیروهای صلح و ترقی، آزادی و استقلال مخصوصاً مبارزات کشورهای سوسیالیستی و در راس اتحادشوروی و از تمام پروگرام و پیشنهادات صلح لنینی اتحادشوروی در کنگره های ۲۴-۲۵، پلینوم های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی، پیامها، اعلامیه ها، مصاحبه ها و بیانیه ها و پیشنهادات رفیق کنستانتین چرنینکو منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحادشوروی و سایر رهبران دولت اتحادشوروی در کنفرانسهای مادرید، ستاکهلم، پیشنهادات اعضای پیمان وارسا، در پراگ مسکو، پیامها و بیانیه ها به سکرتر جنرال سازمان ملل متحد در راه خلع سلاح، تحکیم صلح پایدار و امنیت مطمئن خلقها و دیگر مسایل مربوط به جلوگیری از جنگ هستوی و غیرهستوی و رفع تشنجات بین المللی پشتیبانی عام و تام، قاطعانه و صمیمانه نموده و در راه حصول این اهداف شریفانه مبارزه پیگیر میکند. ما از پیشنهادات و ابتکارات اخیر اتحادشوروی در عرصه جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی در زمین و فضای خارجی، عدم گسترش سلاح هستوی، ایجاد مناطق عاری از سلاح هستوی، تقلیل مصارف نظامی تعهد کشورهای دارای سلاح هستوی مبنی بر آنکه نخستین کشور استعمال کننده آن خواهند بود و همچنان از تقاضای کشورهای عضو پیمان وارسا به اعضای پیمان ناتو درباره امضای معاهده مربوط به عدم استعمال

متقابل نیروی نظامی و داشتن روابط صلح آمیز بین هم، پشتیبانی کامل مینمائیم و معتقدیم که تحقق این پیشنهادات و ابتکارات منجر به بهبود کامل اوضاع بین المللی و ایجاد فضای اعتماد متقابل تخفیف تشنجات، تحکیم امنیت بین المللی و صلح پایدار خواهد گردید.

افغانستان انقلابی از مبارزات همه خلقهای تحت ستم و کشور های از بند رسته که مورد مداخلات و تجاوزات امپریالیزم قرار گرفته اند، پشتیبانی قاطع مینماید. ما از نیکاراگوای انقلابی و سایر خلقهای امریکای لاتین که در برابر مداخلات و توطئه های امپریالیزم امریکا از استقلال ملی و تمامیت ارضی و دستاوردهای خلق های خود دفاع مینمایند، از مبارزات انگولا و خلقهای جنوب افریقا علیه تجاوز و تسلط جویی نژادپرست پریتوریا و علیه توطئه ها و دسایس امپریالیزم پشتیبانی عام و تام مینمائیم. ما مساعی کشورهای صلحدوست ساحلی بحر هند برای مبدل ساختن آن به منطقه صلح و فاقد سلاح ذروی و پیشنهادات اتحادشوروی در این زمینه را به دیده قدر نگریسته و کاملاً از آن پشتیبانی مینمائیم. همچنان ما از پیشنهادات سازنده و ابتکاری سه کشور هند و چین ویتنام، لاوس و کمپوچیا برای صلح و همکاری در منطقه پشتیبانی کامل میکنیم، ما خواهان صلح و امنیت در خلیج بدون مداخله امپریالیزم و مخالف جنگ برادرکشی میان ایران و عراق میباشیم.

خلقهای افغانستان با برادران عرب خود در شرق میانه علایق طولانی و ریشه دار تاریخی دارند. جمهوری دموکراتیک افغانستان بتاسی از اراده مردم افغانستان خواهان حل و فصل عادلانه و هرچه سریعتر و رفع اوضاع پر تشنج شرق میانه است و یگانه راه حصول این هدف را در باز گرداندن سرزمینهای عربی که توسط اسرائیل اشغال گردیده و تامین عملی حقوق مسلم خلق عرب فلسطین بشمول حق تشکیل دولت مستقل و در قطع مداخلات امپریالیزم می بیند. ما از پیشنهادات اخیر و ابتکاری اتحادشوروی در مورد حل و فصل مسایل شرق میانه که متکی بر ارزشمندی نیل به صلح همه جانبه و عادلانه و پایدار در شرق میانه و تامین حقه تمام خلق های ساکن این منطقه است بطور قطع و کامل پشتیبانی میکنیم.

هموطنان آزاده و انقلابی افغانستان!

در تاریخ بطور کلی و در شرایط انقلاب و جنگ به صورت خاص توقف در جای خود نه تنها ممکن نیست بلکه انتحار ملی- تاریخی است لذا باید به پیش رفت افغانستان که از طریق انقلابی تحت رهبری حزب ما به جمهوری دموکراتیک افغانستان دست یافته است و حاکمیت زحمتکشان را اعلام داشته است از صلح، آزادی خلق، استقلال ملی، دموکراسی واقعی، ترقی و عدالت اجتماعی قهرمانانه

دفاع میکند، به جلو بسوی جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد با مارش و درفش سرخ کارگری گام بر میدارد.

انقلاب ثور نه تنها آرمانهای تحقق نیافته نهضت استقلال طلبانه را تحقق می بخشد بلکه افغانستان عزیز را بمثابه یکی از پرافتخارترین کشورهای مستقل و آزاد جهان در ردیف کشورهای پیشرفته و مرجع اعمال خلقهای منطقه مبدل خواهد ساخت.

ما نه عقب میرویم و نه توقف میکنیم، با همه افغان های وطنپرست و صلح جو یعنی تمام خلقهای ساکن وطن واحد مان افغانستان باهم بدور جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت رهبری حزب خردمند، حزب وطنپرست ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان بخاطر ساختمان جامعه نوین و سعادت مند برای فرزندان ما، رزمندگان ما، برای انسان زحمتکش وطن پیوسته و استوار، با گام های متین و با صلابت، با غرور انقلابی، بی امان و بی هراس به پیش میرویم.

ما بحیث وطنپرستان انترناسیونالیست، با داشتن وطن آزاد و مستقل خود افغانستان انقلابی، مغرور و پر افتخاریم.

ما از گنجینه های ملی عنعنات و رسوم پسندیده و کلتور ملی و تاریخ درخشان و کهنسال خلقهای کشور خود جانبازانه پاسبانی میکنیم! ما از شرف و ناموس وطن از خاک و وطن خود، از خاک و وطن افغانها پاسبانی میکنیم!

ما راه خونین پدران و مادران قهرمان وطن را بجانب قله های شامخ آزادی و استقلال ادامه میدهیم و در جهت انقلاب اجتماعی و فرهنگی باز هم به پیش میرویم و آنرا رشد و تکامل میدهیم! ما به قیام های ملی خلقهای وطن خود علیه اشغالگران و استعمارگران خارجی سر احترام فرود می آوریم!

ما به خلق زحمتکش افغان با جان و دل خدمت میکنیم و به افغانستان عشق میورزیم!

خلق زحمتکش افغانستان حقیقت پرست، آزادی دوست نجیب و با پاس است. در برابر دوست سپاسگزار و از دشمن بیزار است، در دوستی با اتحاد شوروی استوار و وفادار و با ارتجاع و امپریالیزم آشتی ناپذیر است.

جریان پرتوان و توفان زای انقلاب افغانستان، جهان و نظم کهن جنگ، ارتجاع و ظلم را در کشور از بیخ و بن در هم میشکند و جهان و نظم نوین صلح و ترقی، آزادی و عدالت برادری و برابری را جاگزین آن میسازد.

- درود به روان پاک قهرمانان ملی و شهیدان راه استقلال و آزادی وطن!
- زنده باد آزادی و استقلال افغانستان انقلابی و غیرمنسلک!
- زنده باد انقلاب!

تایپ کامپیوتری از: ع . ق . فضلی

- هر نوع استفاده و نقل قول از ((متن بیانیه رفیق **ببرک کارمل** منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان بمناسبت تجلیل از شخصیت و پنجمین سالگرد استرداد استقلال کشور)) صرف با ذکر منبع و نام سایت «**اصالت**» مجاز است!

www.esalat.org